

یادداشت

صداوسیما اگر می‌خواهد ناظر باشد از تولید محتوا دست بکشد

درباره انتشار تصویر بخشنامه‌ای در مورد تولید محتوای صوتی و تصویری فراگیر از طرف رئیس قوه قضائیه پرسشی مطرح هست که جوابی برای آن وجود ندارد و البته



سعید ارکان زاده یزدی
... کارشناس ارتباطات و روزنامه‌نگار

محل بحث بسیار است. در واقع باید پرسیم که منظور از فراگیر بودن محتوای صوتی و تصویری چیست؟ برای مثال آیا صوت و تصویری که یک روزنامه محلی که شمارگان نامحدودی هم دارد، گرفته و در کانال تلگرام یا صفحه توئیتر خود منتشر کرده، فراگیر است؟ یا مثلا فیلمی که دانشگاهی از یک سمینار خود در پایگاه خبری‌اش منتشر کرده می‌تواند فراگیر تلقی شود؟ در واقع باید پرسید معیار اینکه صوت و تصویر فراگیر را از غیرفراگیر تشخیص دهیم، از اساس چیست؟ در اینباره تنها می‌توان گفت که این واژه ابهام دارد.

تفسیر اینکه صداوسیما نظارت بر محصولات رسانه‌ای دارد، باید روشن شود. مسأله این است که این ماجرا تا قبل از این هم وجود داشته اما برای تلویزیون و رادیوهای اینترنتی میان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقسیم کار شده بود که صداوسیما بر تلویزیون‌های IPTV یعنی شرکت‌هایی که به صورت استریم بیست و چهار ساعته فیلم پخش می‌کنند، و وزارت فرهنگ و ارشاد نیز بر تولیدکنندگان فیلم‌های VOD یعنی ویدیوهای درخواستی نظارت داشت.

بر اساس همین تقسیم کار هم کار تولید محتوای تصویری به هر صورت که بود پیش می‌رفت اما چندی پیش صداوسیما به این نتیجه رسید که باید انحصار نظارت بر «VOD»‌ها را هم داشته باشد و شرکت‌ها باید همه محصولات را که می‌خواهند پخش کنند از تأیید صداوسیما بگذرانند.

نکته اینجاست که سازمان صداوسیما یعنی رادیو و تلویزیون زمانی به وجود آمد که شبکه‌های تلویزیونی اینترنتی یا «IPTV» و «VOD»‌ها وجود نداشتند و رادیو و تلویزیون هم در این عرصه انحصار داشت.

صداوسیما به‌عنوان یک سازمان رسانه‌ای که محتوا تولید می‌کند صلاحیت نظارت بر رسانه‌های دیگر، به عبارت بهتر، نظارت بر عملکرد رقبای خود را ندارد از سوی دیگر پرسشی که به وجود می‌آید این است که آیا صداوسیما دستگاهی برای نظارت است یا به‌عنوان یک رسانه تولیدکننده محتوا در زیست‌بوم رسانه‌ای تنفس می‌کند؟ یک رسانه نمی‌تواند هم در فضای رسانه‌ای تولیدکننده باشد و هم بر رقیبان خود نظارت کند.

اگر سازمان صداوسیما می‌خواهد نقش نظارتی داشته باشد، بهتر است از ایفای نقش به‌عنوان یک رسانه کنارگیری کند اما صداوسیما نمی‌خواهد این کار را بکند؛ چرا که به انحصار عادت کرده و هیچ رقیبی را هم برای خود بر نمی‌تابد؛ بنابراین دوست دارد که این انحصار را حفظ کند. از طرفی مسأله دیگر این است که در فضای فعلی رسانه‌ای جهان و همین‌طور ایران نظارت‌کردن بر تک تک فیلم‌ها و ویدیوهایی که تولید می‌شود غیرممکن است و نهایتاً این ماجرا شکست می‌خورد؛ چون نه صداوسیما و نه هیچ ارگان دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

شاید صداوسیما در مواردی خاص که محتوایی برخلاف موازین قانون تولید شده می‌بیند، بتواند برخورد کند و بخواهد بر آن نگاه نظارتی داشته باشد اما در نهایت با انبوه محتوای صوتی و تصویری که منتشر می‌شوند صداوسیما نمی‌تواند یک نظارت‌گر باشد و این قانون هم مثل بسیاری از قوانین رسانه‌ای کشور که به دردی نمی‌خورند، به کاری نخواهد آمد.

انحصاری بودن تولید صوت و تصویر در سازمان صداوسیما قانونی منسوخ شده است. نکته‌ای که باید آن را بپذیریم و براساس واقعیت‌های موجود رسانه‌ای درباره نظارت بر آنها به نتیجه منطقی برسیم؛ اما اینکه مدام اصرار کنیم که حتماً باید سازمان صداوسیما صفر تا یک کارهای رسانه را در کشور پیش ببرد و بر همه آنها هم نظارت انحصاری داشته باشد، بی‌فایده است.

رسانه‌ها معیارهایی حرفه‌ای دارند و در تمام دنیا با رویکردی حرفه‌ای بر آن معیارها نظارت می‌شود؛ با این شرط مهم که آزادی رسانه مهم است. در کشور ما نیز اگر قرار است که نظارتی بر رسانه‌ها صورت گیرد، باید شرط آزادی رسانه نیز حفظ شود؛ یعنی اگر قرار است کسی نظارتی انجام دهد باید در پس ذهن خود قید آزادی رسانه را هم داشته باشد.

یک نکته خیلی کلیدی وجود دارد؛ در عصر حاضر نمی‌توانیم با مدل صدور پروانه انتشار و صدور مجوز پیش از انتشار محتوا و این قضا یا با پدیده‌ای مثل تلگرام و توئیتر و... برخورد کنیم و این طرز برخورد محکوم به شکست است و هر چه زودتر بپذیریم که این روش ناکارآمد است هم انرژی را تلف نمی‌کنیم و هم اینکه به چاره واقعی می‌پردازیم.

در دنیای رسانه‌های کنونی، رسانه‌ها تک‌بعدی نیستند و محتوایی را که منتشر می‌کنند از خروجی‌های مختلف و متنوعی نشی می‌دهند و قالب‌های متنوعی هم برای محتواها در نظر می‌گیرند. در واقع تحریریه‌های رسانه‌های فعلی ما اعم از تلویزیون، مطبوعات و خبرگزاری تحریریه‌های یک‌پارچه با خروجی‌های متنوع هستند که عبارتند از متن، ویدیو، گرافیک متحرک و... بنابراین آسبیبی که این قانون می‌تواند به انواع رسانه‌های ما بزند باعث می‌شود که بخشی از خروجی‌های آنها و بخشی از کانال‌های ارتباطی با مخاطب مسدود شود و وقتی هم مسدود شود رسانه عملاً نمی‌تواند به هدف اصلی خود یعنی خبرسانی به مخاطب برسد.

بنابراین این قضیه و این تصمیم‌گیری فقط معطوف به تلویزیون‌های خصوصی یا شرکت‌های خصوصی تلویزیونی و رادیویی نمی‌شود بلکه تمام نظام رسانه‌ای ما درگیر آن خواهد شد و ارتباط رسانه‌ها اعم از خبرگزاری و روزنامه و دیگر رسانه‌ها با مخاطبان دچار اختلال می‌شود.

اگر صداوسیما بخواهد نقش ناظر را بازی کند باید نقش تولیدکننده را کنار بگذارد و نظارتش هم باید حرفه‌ای باشد و نه نظارت سیاسی مثل همان عملکردی که اکنون از صداوسیما براساس تولیداتش می‌بینیم. بنابراین سازمان صداوسیما با وضع فعلی حتی نظارت‌کننده خوبی هم نخواهد بود مگر اینکه در ساختار خودش تحولات پایه‌ای، حرفه‌ای و بنیادینی را پیش گیرد تا شاید بتوان امیدوار بود که صداوسیما بتواند در نقش نظارتی ناظر خوبی باشد. □

ن

برداشت صداوسیما از لفظ صوت و تصویر فراگیر آن است که محتوای کاربر محور به همراه کانال‌های رسانه‌ای بالای ۵ هزار عضو نیز جزو صوت و تصویر فراگیر است و صداوسیما باید بر فرآیند ضبط ویدیویی آنها نظارت داشته باشد و به آنها مجوز دهد

ن

یکی از منتقدان جدی مصوبه سال گذشته کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی وزیر ارتباطات بود. محمدجواد آذری جهرمی سال گذشته گفته بود: «صداوسیما اعتقاد دارد همچنان که پخش تلویزیون «برودکست»، براساس قانون اساسی به صورت انحصاری در اختیار این سازمان است، در فضای مجازی نیز باید این ظرفیت برای آنها فراهم باشد. صداوسیما همچنان مدعی است که هرگونه پخش صوتی و تصویری در فضای مجازی باید تحت مدیریت و نظارت و مقررات این سازمان انجام شود.»

واژه فراگیر سال گذشته نیز برای اهالی رسانه گنگ و تعریف نشده بود. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات سال گذشته این لفظ و برداشت صداوسیما را از آن تفسیر کرده بود. «برداشت صداوسیما از لفظ صوت و تصویر فراگیر آن است که محتوای کاربر محور به همراه کانال‌های رسانه‌ای بالای ۵ هزار عضو نیز جزو صوت و تصویر فراگیر است و صداوسیما باید بر فرآیند ضبط ویدیویی آنها نظارت داشته باشد و به آنها مجوز دهد.»

ن

محمدجواد آذری جهرمی سال گذشته گفته بود: «صداوسیما اعتقاد دارد همچنان که پخش تلویزیون «برودکست»، براساس قانون اساسی به صورت انحصاری در اختیار این سازمان است، در فضای مجازی نیز باید این ظرفیت برای آنها فراهم باشد. صداوسیما همچنان مدعی است که هرگونه پخش صوتی و تصویری در فضای مجازی باید تحت مدیریت و نظارت و مقررات این سازمان انجام شود

ن

اختلاف نظر درباره دایره اختیارات سازمان صداوسیما مربوط به امروز نیست و بحثی دامنه‌دار و قدیمی است. نخستین بار به موضوع انحصار در اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شد و تفسیر نظر فقهی اعضای شورای نگهبان در سال ۷۹ هم به موضوع انحصار سازمان صداوسیما در پخش و تولید محصولات صوتی و تصویری به آن تأکید می‌کند

سایه رسانه ملی بر تولید محتوای صوتی و تصویری سنگین‌تر می‌شود؟

بیم‌تشدید انحصار صداوسیما

پیگیری‌های خود را متوقف کرد.

مصوبه‌ای که دوباره لفظ انحصار را به زبان‌ها انداخت

همچنان که در این سال‌ها صداوسیما کنشی نسبت به انحصار خود در عالم رسانه نداشت، سال گذشته اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس مصوبه‌ای داشتند که بعد از مدت‌ها مجدداً انحصار صداوسیما را بر عالم پخش صوت و تصویر فراگیر بر سر زبان‌ها انداخت. طبق مصوبه کمیسیون فرهنگی در ماده چهار طرح نظارت بر صداوسیما، «پخش فراگیر برنامه‌های رادیویی یا تلویزیونی در داخل و خارج از کشور در انحصار سازمان صداوسیما است و مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات رادیویی و تلویزیونی فراگیر و نظارت بر آن منحصراً بر عهده سازمان صداوسیماست و هرگونه ارایه خدمات نوین پخش فراگیر رادیویی و تلویزیونی الزاماً بر بستر شبکه ملی اطلاعات منحصر و محدود می‌شود.»

یکی از منتقدان جدی مصوبه سال گذشته کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی وزیر ارتباطات بود. محمدجواد آذری جهرمی سال گذشته گفته بود: «صداوسیما اعتقاد دارد همچنان که پخش تلویزیون «برودکست»، براساس قانون اساسی به صورت انحصاری در اختیار این سازمان است، در فضای مجازی نیز باید این ظرفیت برای آنها فراهم باشد. صداوسیما همچنان مدعی است که هرگونه پخش صوتی و تصویری در فضای مجازی باید تحت مدیریت و نظارت و مقررات این سازمان انجام شود.»

واژه فراگیر سال گذشته نیز برای اهالی رسانه گنگ و تعریف نشده بود. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات سال گذشته این لفظ و برداشت صداوسیما را از آن تفسیر کرده بود. «برداشت صداوسیما از لفظ صوت و تصویر فراگیر آن است که محتوای کاربر محور به همراه کانال‌های رسانه‌ای بالای ۵ هزار عضو نیز جزو صوت و تصویر فراگیر است و صداوسیما باید بر فرآیند ضبط ویدیویی آنها نظارت داشته باشد و به آنها مجوز دهد.»

هم‌زمان با انتشار اخبار مربوط به مصوبه کمیسیون فرهنگی بسیاری از رسانه‌ها که تلاش داشتند تولید محتوای خود را تحت قالب چندرسانه‌ای پیش ببرند و تفسیری مشابه با تفسیر آذری جهرمی از لفظ فراگیر داشتند، سال گذشته به پیشنهاد وزارت ارشاد از سازمان تنظیم مقررات بی‌سرور صدا مجوز پخش و انتشار صوت و تصویر فراگیر دریافت کردند.

حالا با صدور بخشنامه رئیس قوه قضائیه دوباره ابهام درباره واژه «فراگیر» افزایش یافته است. یک حقوقدان به «شهرود» گفت که در قانون اساسی و قوانین پایین‌دستی این واژه تعریف نشده است و اگر بخواهیم امسال هم آن را همان‌گونه که وزیر ارتباطات مطرح کرده است، تعریف کنیم، تعداد انبوهی از افراد حقیقی که کانال‌های تلگرامی یا اینستاگرامی دارند و در آنها صوت و تصویر منتشر می‌شود، نیز مجبور به اخذ مجوز از سازمان مقررات می‌شوند. اتفاقی که به نظر می‌رسد با جریان دسترسی به اطلاعات در تضاد باشد و به دلیل پرتعداد بودن رسانه‌ها عملاً این امر ناممکن خواهد شد.

اختلاف‌ها همچنان بر سر مصداق صوت و تصویر فراگیر باقی است

در همین حال معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرده که مسئولیت صدور مجوز برای تولید و نمایش آثاری که در سیمای جمهوری اسلامی پخش نمی‌شوند، برعهده این وزارتخانه است. محمد مهدی طباطبایی‌نژاد به ایسنا گفته است: «وضعیت صوت و تصویر فراگیر تا تعیین تعریف و ارایه مصداق دقیق از سوی شورای عالی فضای مجازی، بلا تکلیف است.»

او درباره وضع تولیدات شبکه نمایش خانگی هم توضیح داده است: «به‌طور طبیعی تمام محصولات این شبکه مجوز خود را از سازمان سینمایی وزارت ارشاد می‌گیرند ولی آنچه اخیراً منتشر شده، نامه و موضوع تازه‌ای نیست. براساس این بخشنامه به مراجع قضائی ابلاغ شده که صوت و تصویر فراگیر در حوزه تصمیم‌گیری ساترا (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات صوت و تصویر فراگیر) است و ما هم در این باره بحثی نداریم، چون محل بحث ما همین تعریف صوت و تصویر فراگیر است تا براساس آن مشخص شود «VOD»‌ها در چه تعریفی گنجانده می‌شوند.»

طباطبایی‌نژاد با اشاره به اینکه «اختلاف ما همچنان بر سر مصداق صوت و تصویر فراگیر باقی است»، گفته است: «ما معتقدیم «VOD»‌ها مشمول صوت و تصویر فراگیر نمی‌شوند، چون مرکز ملی فضای مجازی یک تعریف مقدماتی دارد که صوت و تصویر فراگیر باید دارای دو ویژگی باشد؛ یکی اینکه کنداکتور روزانه داشته باشد و دیگر اینکه کاربر آن غیرقابل شناسایی باشد. در حالی که از نظر ما VOD‌ها، هم کنداکتور روزانه ندارند و هم کاربرشان قابل شناسایی است. پس مصداق آنچه عنوان شده، نیستند ولی این موضوع باید به تصویب شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان یک مرجع قانونی برسد.»

به گزارش روزنامه شهرود، پرسش «آیا ما هم شامل بخشنامه‌آز رئیس قوه قضائیه می‌شویم و باید مجوز بگیریم؟» در روزهای اخیر به در ذهن مدیران و صاحبان کسب‌وکارهای مجازی و فعالان استارت‌آپی که مجوزی از صداوسیما ندارند، هم خطور کرده است. این گروه بیشتر از سایرین آینده خود را در هاله‌ای از ابهام می‌بینند. □

«سولگ دانائی» انتشار تصویر بخشنامه رئیس قوه قضائیه درباره تولید «محتوای صوت و تصویر فراگیر» در شبکه‌های اجتماعی موجب شد موضوعی که برای مدتی در خبرهای رسانه‌ها کم‌رنگ شده بود، دوباره محل بحث و گفت‌وگو میان کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گیرد. تصویر منتشر شده نشان می‌دهد حجت‌الاسلام ابراهیم ریسی، رئیس قوه قضائیه بیست‌وهشتم دی ماه امسال خطاب به «مراجع قضائی سراسر کشور» نوشته است: «با عنایت به نظریه تفسیری مورخ ۱۰ مهر سال ۷۹ شورای نگهبان ذیل اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی و ابلاغیه مقام معظم رهبری مورخ ۲۲ شهریور سال ۹۴ خطاب به رئیس جمهوری محترم مبنی بر اینکه: «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی و نظارت بر آن منحصراً به عهده سازمان صداوسیما است ضروری است مراجع قضائی و ستادی قوه قضائیه هرگونه استعلام درباره صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی را از حیث پروانه فعالیت مقررات و موضوعات مرتبط با سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی به عمل آورند. بدیهی است هرگونه فعالیت در این زمینه بدون مجوز این سازمان غیرمجاز است.» پس از صدور این بخشنامه پرسش‌هایی پیش روی فعالان کسب‌وکارهای رسانه‌ای قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که «آیا تمام رسانه‌های فعال در سراسر کشور باید از این پس برای انتشار محتوای صوتی و تصویری از صداوسیما مجوز دریافت کنند و این روش چقدر عملی است؟» پیامدهای اجرای چنین روشی یکی دیگر از پرسش‌های به وجود آمده است.

دهه ۸۰ و برخورد صداوسیما با هر ناقض قانون اساسی

اختلاف نظر درباره دایره اختیارات سازمان صداوسیما مربوط به امروز نیست و بحثی دامنه‌دار و قدیمی است. نخستین بار به موضوع انحصار در اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره شد و تفسیر نظر فقهی اعضای شورای نگهبان در سال ۷۹ هم به موضوع انحصار سازمان صداوسیما در پخش و تولید محصولات صوتی و تصویری به آن تأکید می‌کند. سال‌های ۸۲ و ۸۳ را شاید بتوانیم اوج تسلط سازمان صداوسیما بر سایر رسانه‌ها بدانیم. روزهایی که خبرگزاری‌های معتبر کشور مانند فارس و ایسنا نمی‌توانستند صوت یا ویدیویی از مصاحبه خود منتشر کنند، زیرا صداوسیما می‌توانست به بهانه نقض این انحصار از آنها شکایت کند. اواخر دهه ۸۰ و هم‌زمان با پرتعداد شدن رسانه‌ها در کشور عملاً امکان شکایت از تمام رسانه‌ها امکان‌پذیر نبود و صداوسیما نیز

